



علم النفس فلسفی
در اندیشه ابن سینا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

(حجرات: ۱۳)



سرشناسه	: کریمیان صیقلانی، علی، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: علم‌النفس فلسفی در اندیشه ابن‌سینا/ علی کریمیان صیقلانی
مشخصات نشر	: قم: نشر ادیان، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص.
فروست	: نشر ادیان؛ ۱۱۹.
شابک	: 978-600-7598-15-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: چاپ دوم، پاییز ۱۴۰۱
موضوع	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق— روان‌شناسی
موضوع	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق— دیدگاه درباره نفس.
رده بندی کنگره	: BPR ۵۷۳/۹۰۴
رده بندی دیوبی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۵۱۷۵۲

علم النفس فلسفی در اندیشه ابن سینا

ویراست جدید

علی کریمیان صیقلانی



نشر ادیان

۱۴۰۱



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه‌السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳-۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰ ، ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱ ، ۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۲۷

تلفکس مرکز بخش و فروش: ۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۲۷

@Libadyan

فروشگاه اینترنتی:

@ketabsara_adyan

www.Adyanpub.com

علم النفس فلسفی در اندیشه ابن سینا

- نویسنده: علی کریمیان صیقلانی
- ناشر: ادیان
- نوبت چاپ: دوم، پاییز ۱۴۰۱
- طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار
- صفحه آرا: نیره نجفی
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۵۰۰
- مرجع قیمت: وبسایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۸-۱۵-۳

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و سازمان‌نویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

پیشگفتار..... ۹

بخش اول: تعاریف و کلیات / ۱۳

- شخصیت ابن سینا..... ۱۵
علم النفس و اقسام آن..... ۱۹
تفاوت بین علم النفس و روانشناسی..... ۲۰
تفاوت بین خودشناسی، خودباوری، علم النفس فلسفی و معرفة النفس..... ۲۰
موضوع علم النفس..... ۲۵
تاریخچه علم النفس و نفس شناسی..... ۲۶
مسائل علم النفس..... ۲۸
۱. تعریف نفس..... ۲۸
۱. ۱. تعریف افلاطون از نفس..... ۲۸
۱. ۲. تعریف ارسطو از نفس..... ۲۹
۱. ۳. تعریف متأخرین از نفس..... ۳۳

بخش دوم: مسائل علم النفس فلسفی از منظر ابن سینا / ۳۵

- فصل یکم: تعریف نفس و انواع آن..... ۳۷
۱. عدم امکان تعریف حقیقی برای نفس..... ۳۷
۲. تعاریف نفس..... ۳۸
۲. ۱. تعریف مشترک بین نفوس فلکی، نباتی، حیوانی و انسانی..... ۳۸
۲. ۲. تعریف مشترک بین نبات، حیوان و انسان..... ۴۲
۲. ۳. تعریف مشترک بین انسان و ملائکه سماوی..... ۴۳
۲. ۴. تعریف نفس مبتنی بر صدور افعال مختلف..... ۴۵

- فصل دوم: اثبات وجود نفس..... ۴۷
۱. برهان ثبات و استمرار ۴۷
 ۲. برهان طبیعی مبتنی بر حس، رشد، تغذیه و حرکت ارادی ۴۸
 ۳. برهان طبیعی مبتنی بر حرکت ارادی قَسری ۴۹
 ۴. برهان انفعالات غیر جسمانی ۵۱
 ۵. برهان انسان معلق در هوا (یا رجل طائر) ۵۲
 ۶. برهان وحدت نفس ۵۵
 ۷. برهان ادراک ۵۶
 ۸. برهان درون دینی ۵۸
- فصل سوم: تجرد نفس ۵۹
۱. مقصود از تجرد ۵۹
 ۲. ادله اثبات تجرد نفس ۶۱
 ۱. حضور نفس در نزد خویش ۶۲
 ۲. خود آگاهی حتی در صورت نقص عضو ۶۵
 ۳. ثبات توانایی تعقل به رغم کِبَر سن (کهولت) ۶۵
 ۴. ثبات توانایی تعقل به رغم ضعف و خستگی بدن ۶۷
 ۵. عدم تداخل و تزامم در ادراکات و معقولات ۶۹
 ۶. بی‌مکانی و بی‌وضعی صورت‌های معقول ۶۹
 ۷. تصور بی‌نهایت صور عقلی ۷۰
 ۸. امتناع انطباع صور معقول در جسم مادی ۷۲
 ۹. عدم انطباع و حلول قوه عاقله در جسم ۷۴
- فصل چهارم: قوای نفس ۷۷
۱. ضرورت تعدد قوای نفس ۷۸
 ۲. تعداد و شمارش قوای نفس ۷۸
 ۱. قوای نفس نباتی ۷۹
 ۲. قوای نفس حیوانی ۷۹
 ۳. قوای نفس انسانی (نفس ناطقه) ۹۰
 ۳. عقل یا قوه عاقله ۹۲
 ۱. معناشناسی عقل در اصطلاح فلسفه ۹۲
 ۲. اقسام عقل انسانی ۹۳

فهرست ۷

- فصل پنجم: وحدت نفس ۱۱۱
- مقدمه ۱۱۱
۱. استدلال ابن سینا بر وحدت نفس ۱۱۳
- ۱.۱. لزوم رابط میان قوای متخالف ۱۱۳
- ۱.۲. درک وجدانی عدم تداخل افعال قوا ۱۱۴
- ۱.۳. استحالة وجود قوای جامع متعدد بجای نفس واحد ۱۱۵
- فصل ششم: مسأله آفرینش و حدوث یا قِدَم نفس ۱۱۷
- مقدمه ۱۱۷
۱. چگونگی هبوط و آفرینش انسان ۱۲۱
۲. روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء ۱۲۴
۳. ادله حدوث نفس ۱۲۶
- ۳.۱. دلیل نخست: عدم امکان تحقق عوارض شخصی نفس پیش از تحقق بدن ... ۱۲۶
- ۳.۲. دلیل دوم: عدم امکان کسب کمالات برای نفس پیش از تحقق بدن .. ۱۲۷
- ۳.۳. دلیل سوم: عدم امکان معطلی نفس پیش از تحقق بدن ۱۲۸
- ۳.۴. دلیل چهارم: علیت بالعرض بدن برای نفس ۱۲۹
- ۳.۵. دلیل پنجم ۱۳۱
۴. تأملات ۱۳۴
- فصل هفتم: رابطه نفس با بدن ۱۳۷
- مقدمه ۱۳۷
۱. چستی ارتباط نفس و بدن از منظر ابن سینا ۱۴۳
۲. رتبه بندی نفس و بدن (نفس اصل است و بدن فرع) ۱۴۳
۳. تأثیر متقابل نفس و بدن بر یکدیگر ۱۴۴
۴. روح بخاری یا رابط نفس و بدن ۱۴۷
- ۴.۱. ماهیت روح بخاری ۱۴۸
- ۴.۲. دلایل وجود روح بخاری ۱۵۲
- ۴.۳. مراتب روح بخاری ۱۵۳
- ۴.۴. تفاوت های روح بخاری با نفس (روح انسانی) ۱۵۴
- ۴.۵. وظایف روح بخاری ۱۵۴
- ۴.۶. کیفیت ادراک حسی به واسطه روح بخاری ۱۵۸
- ۴.۷. قلب، نخستین عضو تحت تصرف روح بخاری ۱۶۱

فصل هشتم: سعادت و استكمال نفس.....	۱۶۵
مقدمه.....	۱۶۵
۱. تعاریف اصطلاحی سعادت.....	۱۶۵
۱.۱. برترین مقصود موجود زنده.....	۱۶۶
۲. سعادت حقیقی نفس انسانی.....	۱۶۷
۳. اقسام استكمال نفس.....	۱۶۸
۱. استكمال علمی.....	۱۶۸
۲. استكمال عملی.....	۱۷۱
۴. نقش اعتدال در استكمال نفس.....	۱۷۳
۵. اهداف تعلیم و تربیت نفس.....	۱۷۴
۶. پاسخ‌های ابن‌سینا به شبهه ناسازگاری استكمال نفس با تجرد آن.....	۱۷۶
۱. «ثبات در جواهر» و «حرکت در اعراض».....	۱۷۶
۲. روحانیه الحدوث بودن نفس.....	۱۷۶
۳. عرضی بودن عوامل استكمال نفس.....	۱۷۷
۷. رابطه بین سعادت و لذت.....	۱۷۷
۸. استكمال نفس پس از مرگ.....	۱۷۸
فصل نهم: مسأله مرگ، بقاء و خلود نفس پس از مرگ.....	۱۸۱
مقدمه.....	۱۸۱
۱. ضرورت مرگ.....	۱۸۱
۲. بقاء نفس.....	۱۸۳
۳. مراتب نفوس پس از مرگ.....	۱۸۷
۴. خلود نفوس.....	۱۹۳
۱. ادله اثبات خلود نفس.....	۱۹۴
۵. پذیرش توأمان معاد روحانی و جسمانی.....	۱۹۸
۶. تعیین نفوس پس از مرگ.....	۲۰۰
۷. ابطال تناسخ.....	۲۰۰
فهرست منابع:.....	۲۰۷
الف) فهرست کتب.....	۲۰۷
ب) فهرست مقالات.....	۲۱۵

پیشگفتار

بحث از نفس و بررسی ابعاد گوناگون آن، یکی از موضوعاتی است که بخش عمده‌ای از آثار سه حکیم مسلمان، یعنی ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا را به خود اختصاص داده است. چه اینکه تردید نیست که هر چند بررسی نفس در آثار بسیاری از فلاسفه پیشین و نیز فلاسفه غیرمسلمان جدی بوده، اما این سه حکیم و به ویژه ابن سینا در آثار خود، ابداعات ارزشمندی در این باره برای ما به ارمغان گذاشته‌اند.^۱

نوشته حاضر در نخستین جلد این گفتمان تلاش دارد تا به آراء حکیم متاله، شیخ الرئیس در این خصوص پردازد. وی به عنوان یک فیلسوف الهی، تلاش کرده تا مبانی نظری فلسفه خویش را حتی المقدور مَلْهَم از منابع دینی قرار داده و به طور خاص علم النفس فلسفی خویش را ناظر بر مکتب مشاء و در عین حال، در صورت تعارض با مبانی دینی، ناقد آن قرار دهد. حتی وی در برخی موارد تلاش کرده برخی از آیات قرآن را مؤید ادعاهای خویش در مراتب عقل نظری به حساب آورد.^۲ از این رو فیلسوف

۱. ر.ک: نصر، سه حکیم مسلمان، ص ۴۶-۴۷؛ دیباچی، سیدمحمدعلی، نوآوری‌های ابن سینا در علم النفس، قم: فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، ۱۳۸۵ش، سال هشتم، شماره اول؛ دادجو، ابراهیم، مقدمه‌ای بر علم النفس و معرفت‌شناسی مشائیان مسلمان، تهران: فصلنامه علمی - پژوهشی ذهن، پاییز ۱۳۹۰ش، شماره ۴۷.

۲. ر.ک: شیخ الرئیس، معجزات ابن سینا الروحانية، ص ۶۳؛ خواجه نصیرالدین طوسی، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۵۶.

مشائی خواندن^۱ ابن‌سینا، ظلمی بزرگ به این حکیم مسلمان و ناشی از عدم توجه به تمایز بین «شارح» و «پیرو» است. به عبارت دیگر، ابن‌سینا هر چند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شارحان فلسفه‌مشاء، مشهور شده است اما ما نمی‌توانیم وی را یک فیلسوف مشائی بدانیم.^۲ او فیلسوفی مسلمان و متدین بود و عمق طبیعت دینی وی گذشته از اشعار و تفسیر قرآن وی، در آثار فلسفی او نیز آشکار است. وی در هر فرازی از آثار خویش کوشیده است حتی المقدور نظرات گوناگون را با نوع نگرش اسلامی سازگار کند و در بسیاری از آراء خود، معارف اسلامی الهام‌بخش او بوده است. با این وجود در زمان خود همواره مورد آزار و بدبینی برخی متکلمان و فقهای قشری قرار گرفته و البته از این امر هم ناراحت شده و گاهی تلاش کرده تا به آن‌ها پاسخ دهد.^۳ چه اینکه در این رباعی منسوب به او، این واقعیت به خوبی هویدا است:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکم‌تر از ایمان من ایمان نبود
در دهر یکی چو من و آن هم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود^۴

ابن‌سینا در آثار خود تلاش کرده تا ضمن احترام به دیدگاه فلاسفه پیشین خود و استفاده از نظرات صائب ایشان، در علم‌النفس فلسفی خویش به معارف دین اسلام وفادار بماند و این واقعیت در عبارات وی که بیانگر اهمیت توجه به نفس است، به خوبی گویا است. برای نمونه وی در این خصوص می‌گوید:

-
۱. ر.ک: زکوی، تحلیلی از دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا در مسأله حدود نفس، ص ۱۱۹.
 ۲. باید توجه داشته باشیم که خود ابن‌سینا معتقد است آن چه در کتاب‌هایی مانند شفاء درباره فلسفه‌مشاء آمده نظر راستین او نیست بلکه صرفاً بیان فلسفه عامیانه مشائی است که ریشه در فلسفه یونان باستان دارد. ر.ک: شیخ‌الرئیس، منطق‌المشرقیین، مقدمه مصنف، ص ۲-۳؛ دادجو، مقدمه‌ای بر علم‌النفس و معرفت‌شناسی مشائیان مسلمان، ص ۱۲۸.
 ۳. ر.ک: نصر، سه حکیم مسلمان، ص ۴۷.
 ۴. میر محمد باقر الداماد (وفات ۱۰۴۱ق) و السید احمد العلوی (وفات ۱۰۶۰ق)، تقویم‌الایمان و شرحه کشف‌الحقائق، ص ۷۴۱.

«همانا معرفت نفس، نردبان و پلکانی برای معرفت خداوند است و بر این اساس که در روایت آمده: هر کس به نفس خود معرفت یافته، به خداوند متعال معرفت یافته است».^۱

وی همچنین تعابیر فراوانی در خصوص وابستگی معرفت نفس به معرفت خداوند با الهام از آیات قرآن دارد که جملگی مؤید ادعای پیشین مبنی بر تأثیر علم‌النفس فلسفی وی از اسلام، دارد.^۲

آنچه در پیش رو داریم، تحفه‌ای ناقابل و در حد فهم نگارنده از آثار این حکیم فرزانه برای مطالعه علاقه‌مندان به آراء شیخ الرئیس است. از این رو از خداوند متعال مسالت دارم تا این توفیق خدمت را تا تدوین مجلدات دیگر که پیرامون اندیشه‌های شیخ اشراق و ملاصدرا خواهد بود، مستدام داشته و برگی بر ترویج ذخایر حکمت اسلامی، ورق بخورد.

علی کریمیان صیقلانی

۱. شیخ الرئیس، رسالة احوال النفس، رسالة في معرفة النفس الناطقة و احوالها، ص ۱۸۲.
 ۲. «و رأيت كتاب الله تعالى يشير إلى مصداق هذا بقوله عز و جل في ذكره البعداء عن رحمة من الضالين: «نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ». أ ليس تعليقه نسيان النفس بنسيانها تنبيهاً على تقرينه تذكره بتذكرها، و معرفته بمعرفته.»
 شیخ الرئیس، رسالة احوال النفس، مبحث عن قوى النفسانية، ص ۱۴۸. همچنین ر.ک: همو، رسائل ابن سینا، النص، ص ۱۵۷.

بخش اول

تعاریف و کلیات



شخصیت ابن سینا

علم النفس در اندیشه فلسفی ابن سینا جایگاه رفیعی داشته و مقدمه بسیاری از علوم و نیز استكمال و سعادت نفس است. به اعتقاد ابن سینا نفس جوهر واحدی است که حقیقت انسان را تشکیل داده و مصدر افعال مختلف در انسان می‌باشد. انسان جسم طبیعی است که از ماده و صورت تکوین یافته، ماده او همان بدن است و صورت او نفس است که عامل ممیزه انسان از موجودات غیر زنده می‌باشد. نفس مخلوق و حادث اما جاودان است، یعنی پیش از بدن موجود نبوده و هر چند بعد از فنای بدن باقی است لیکن جز به هنگام وجود یافتن بدن وجود نمی‌یابد. به عبارت دیگر نفس را آغاز هست اما پایان نیست.

ابن سینا معتقد است نفس هم در هنگام حدوث و هم در بقاء روحانی و مجرد است (روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء). یعنی، نفس تقدم وجودی به جسم ندارد. بدن به عنوان شرط تکوین و پیدایش نفس، نقش ایفا می‌کند و زمانی که جنین صاحب قلب و دماغ^۱ شد، نفس ناطقه افاضه می‌شود.

۱. دماغ در لغت به معنی مغز است و مراد محل قوای مدرکه باطنی است. سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، ص ۸۶۳.

شیخ‌الرئیس، ابی‌علی‌حسین بن‌عبدالله بن‌سینا معروف به ابن‌سینا (حدود ۳۷۰-۴۲۸ق) حکیم، فیلسوف، طبیب و دانشمند بزرگ ایرانی است که در جهان غرب به نام (Avicenna) و با لقب «امیر پزشکان» شناخته شده است. این حکیم بزرگ که موثرترین چهره در علم و فلسفه جهان اسلامی است به القابی مانند شیخ‌الرئیس، حجة‌الحق و شرف‌الملک دست یافته است. وی تا ده سالگی همه قرآن و صرف و نحو را آموخت و آن‌گاه به فرا گرفتن منطق و ریاضیات پرداخت. پس از آن به یادگیری طبیعیات و مابعدالطبیعه و علم طب مشغول شد. در شانزده سالگی در همه علوم زمان خود استاد بود؛ جز در مابعدالطبیعه؛ آن هم به صورتی که در متافیزیک ارسطو آمده بود و با آنکه چهل بار تمام این کتاب را مطالعه کرده بود، نمی‌توانست آن را بفهمد. تا این که به شرح فارابی بر این کتاب دست یافت و توانست مسائل دشوار آن را درک کند. هنگامی که ابن‌سینا به هجده سالگی رسید، دیگر احتیاج به خواندن و فراگیری هیچ علمی نداشت؛ چرا که همه علوم را فرا گرفته بود و تنها لازم بود تا فهم خود را عمق بخشد و آموخته‌های خود را بهتر درک کند. در اواخر عمر خود یکبار به شاگرد مورد توجه خویش، جوزانی گفت که در تمام مدت عمر، چیزی بیش از آنچه که در هجده سالگی می‌دانسته، نیاموخته است.

وی دارای تألیفات ارزنده‌ای است که اگر مجموع رساله‌های کوچک و نامه‌های وی را نیز به شمار آوریم، به ۲۵۰ اثر بالغ می‌شود.^۱ برخی از مشهورترین آن‌ها عبارتند از:

۱. الشفاء.
۲. النجاة من الغرق فی بحر الضلالات.
۳. الاشارات و التنبیها.
۴. الانصاف.

۱. ر.ک: نصر، سه حکیم مسلمان، ص ۲۶.

۵. منطق المشرقین.
۶. رسالة اضحویة فی امر المعاد.
۷. عیون الحکمة.
۸. تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات.
۹. رسائل عرفانی ابن سینا؛ ا. ف. مرن از ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۹ م برخی از نوشته‌های ابن سینا را در چهار جزء زیر عنوان رسائل عرفانی ابن سینا، همراه ترجمه آزاد فرانسوی، تدوین و در لیدن منتشر کرده است.
۱۰. فی معانی کتاب ریطوریکا.
۱۱. رسالة فی الاکسیر.
۱۲. رسالة فی معرفة النفس الناطقة و احوالها.
۱۳. مجربات ابن سینا الروحانية.
۱۴. القانون فی الطب.
۱۵. النکت و الفوائد.
۱۶. المبدأ و المعاد.
۱۷. معراج نامه.
۱۸. المباحثات.
۱۹. التعليقات.^۱

لازم است بدانیم تا قبل از صدرالمتألهین، هیچ یک از حکما و فلاسفه یونان و اسلام به اندازه ابن سینا در مسأله نفس و حل معضلات و مشکلات مربوط به آن دقت و اهتمام ننموده‌اند. هر چند وی مطالب فراوانی از افلاطون، ارسطو، کندی و فارابی درباره نفس آموخت، اما به نتایج عمیق و وسیعی دست یافت که با آثار و تحلیل‌های گذشتگان خود بسیار متفاوت بود.

او انسان را مرکب از جسم و نفس می‌دانست و جسم را از نظر طبی و

۱. برای اطلاع بیشتر از مصنفات ابن سینا، رجوع شود به: مهدوی، یحیی، فهرست مصنفات ابن سینا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۲ش.

نفس را از لحاظ فلسفی بررسی کرد. یکی از عوامل توجه ابن سینا به علم النفس و اهتمام او به شرح و بسط ماهیت، قوا و آثار نفس، اشتغال به امر طبابت و تحقیقات، تجربیات و مطالعات وی در این زمینه است. البته شاید علت اصلی توجه و علاقه خاص شیخ به مسأله نفس این باشد که در عصر او یا کمی پیش از آن، عده‌ای از دانشمندان اسلامی از قبیل اشعری و باقلانی که طرفدار جوهر فرد بودند، منکر وجود نفس یا روح شده، به حدی در این امر مبالغه کردند که یک فیلسوف مسلمان به لحاظ معتقدات دینی و افکار فلسفی بر خود فرض می‌دانست چراغ هدایتی فراسوی گمراهان و مادی‌گرایان عصر خود روشن سازد.^۱

اما در خصوص مبحث علم النفس باید به دو نکته توجه داشت. نخست اینکه ابن سینا بحث از نفس را بیشتر در کتاب‌های *الاشارات و التنبیهات*^۲، *المباحثات*^۳، *التعلیقات*، *المبدأ و المعاد*^۴ و *نجات*^۵ مطرح کرده است. لیکن گسترده‌ترین مباحث وی درباره نفس، در فن ششم کتاب *شفا* ارائه شده است. در *طبیعیات الشفاء* پس از پی جویی از فعل و انفعالات و عناصر مکونات و پیش از پرداختن به مباحث نبات و حیوان، مسأله نفس را به عنوان امر مشترک بین انسان، حیوان، نبات و فلک مطرح نموده است؛ چنانکه خود او تصریح می‌کند موضوع علم طبیعی، جسم از جهت حرکت و سکون است^۶ نفس از آن جهت که محرک بدن است و تعلق تدبیری به آن دارد، سزاوار است که در علم طبیعی از آن بحث شود؛ هر چند از جهت جوهر و ذات آن مناسب است در علم الهی طرح شود.^۷

-
۱. ر.ک: مقدمه و حواشی و تصحیح موسی عمید بر کتاب *رسالة نفس شیخ الرئيس*، ص ۱-۱۰.
 ۲. ر.ک: شیخ الرئيس، *الاشارات و التنبیهات*، النمط الثالث في النفس الأرضية و السماوية.
 ۳. ر.ک: شیخ الرئيس، *المباحثات*، المباحثة الثالثة و الرابعة، ص ۶۷ به بعد.
 ۴. ر.ک: شیخ الرئيس، *المبدأ و المعاد*، المقالة الثالثة [في الدلالة على بقاء النفس الانسانية و ...]
 ۵. ر.ک: شیخ الرئيس، *النجاة من الفرق في بحر الضلالات*، المقالة السادسة في النفس، ص ۳۱۸ به بعد.
 ۶. ر.ک: شیخ الرئيس، *المباحثات*، المباحثة الثالثة، ص ۲۳۲.
 ۷. همان، ص ۲۳۳.

نکته دوم این است که این سینا در آثار خویش اهتمام ویژه‌ای به مسائل پیرامون نفس و تفصیل آن داشته است. علت این اهتمام، امور زیر دانسته شده است:

۱. علاقه شخصی وی به مسأله نفس از دوره نوجوانی.
۲. اشتغال به طبابت و آشنایی او با بیماری‌های.
۳. باور به معاد و جاودانگی انسان.
۴. توجه آیات قرآن به مسأله نفس.
۵. ترغیب روایات اسلامی به شناخت آن.
۶. دیدگاه ویژه او درباره سعادتمندی واقعی انسان^۱ و نقش شناخت نفس در آن، به عنوان ثمره اصلی بحث در طبیعیات
۷. وجود عقاید باطلی که تجرد و بقاء نفس را برنمی‌تافتند.^۲

علم النفس و اقسام آن

علم النفس شامل مجموعه‌ای از مسائل است که محور آن‌ها «نفس» بوده و پیرامون مسائل کلی نفس، که عبارتند از شناخت کلی نفس، احکام و آثار آن سخن می‌گوید. این شناخت حصولی، می‌تواند از راه‌های گوناگونی همچون روش تجربی، نقلی یا عقلی حاصل شود. شناخت نفس به روش عقلی (فلسفی) را در اصطلاح می‌توان «علم النفس فلسفی» نامید.

در توضیح «علم النفس فلسفی» می‌توان گفت علمی است که از وجود نفس و اقسام نفس و قوای ظاهری و باطنی و بقاء و یا فناى نفس پس از مرگ و حدوث و قدم نفس و معاد جسمانی و احکام مربوط به آن بحث می‌کند.^۳ به عبارت دیگر این علم را می‌توان روش عقلی برای مطالعه نفس، احکام و آثار آن دانست.

۱. شیخ الرئیس، رساله احوال النفس، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۲. زکوی، تحلیلی از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا در مسأله حدوث نفس، ص ۱۱۹.

۳. ر.ک: سجادی، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، ص ۱۰۴.

تفاوت بین علم‌النفس و روانشناسی

با توجه به آنچه در خصوص علم‌النفس گفته شد، دانسته می‌شود که از نظر معناشناختی نمی‌توان علم‌النفس را معادل روان‌شناسی مصطلح دانست و یکسان دانستن این دو، تطبیقی نادرست است.^۱ چه اینکه مولر از مورخان روان‌شناسی، مدعی شده است اصطلاح روان‌شناسی در سده شانزدهم میلادی به وسیله معلم و منطق‌دانی آلمانی به نام رودلف گرو کلینوس^۲ ابداع شده است و تا قرن هجدهم به ندرت به کار می‌رفت.^۳ علم روان‌شناسی تا اوایل قرن نوزدهم بخشی از فلسفه و تقریباً با علم‌النفس مترادف بود، اما روان‌شناسی به اصطلاح امروز، با نفس‌شناسی فلسفی پیش از قرن نوزدهم، در روش، موضوع و در هدف تفاوت اساسی کرده است. این دانش نوین را ویلهلم وونت^۴ (۱۸۳۲-۱۹۲۰) آلمانی پایه‌گذاری کرد.^۵ امروز این دانش در مورد رفتار آدمی، کارکرد و ساختار ذهن و معانی روان‌شناختی چون هوش، هوشیاری و استعداد علمی می‌پردازد و از قرن نوزدهم تا کنون با مکاتب مختلفی هم چون ساخت‌گرایی،^۶ کارکردگرایی،^۷ روان‌شناسی کاربردی، رفتارگرایی، تحلیل‌گری روانی (روانکاوی)،^۸ انسان‌گرایی و سرانجام روان‌شناسی شناختی،^۹ شناخته شده است.^{۱۰}

تفاوت بین خودشناسی، خودباوری، علم‌النفس فلسفی و معرفه‌النفس

از نکات مهمی که شایسته دقت است، تمایز بین چهار اصطلاح خودشناسی،

۱. ر.ک: کریمی، فاطمه، علم‌النفس، روانشناسی اسلامی، رشت: وارسته، اول، ۱۳۸۷ش.

2. Rodolphe Groclemius.

۳. ر.ک: مولر، ج ۲، ص ۱۱.

4. Wilhelm Wundt.

۵. شولتز، تاریخ روان‌شناسی نوین، ص ۱۰۲.

6. Structuralism.

7. Functionalism.

8. Psychoanalysis.

9. Cognitive psychology.

۱۰. ر.ک: دیباجی، نوآوری‌های ابن‌سینا در علم‌النفس، ص ۵۴-۵۵.